

## باستان‌شناسی و تاریخ: تصویر زنان در نگاره‌های مکتب تبریز و متون دوره صفوی

مهتاب دادخواه<sup>۱\*</sup>، کریم حاجی‌زاده<sup>۲</sup>، بهروز افخمی<sup>۳</sup>، حبیب شهبازی شیران<sup>۴</sup>

### چکیده

متون تاریخی به جهت روایت‌گری‌های مردانه از فرمانروایان و بزرگان دوره‌های تاریخی، اغلب کمتر از مردمان عادی، به‌ویژه زنان، گفته‌اند. در واقع، زنان با اینکه نیمی از جامعه بشری و تربیت‌دهنده مردان و نسل آینده هستند و در ادوار تاریخی نیز تأثیر انکارناپذیری در روابط اجتماعی، حفظ و تداوم سنت‌ها، رسوم و حتی بازی‌های سیاسی داشته‌اند، در بیشتر مواقع به دلایل فرهنگی کمتر سخنی از حضور آنان در اجتماع به میان آمده یا زیر سایه مردان تعریف شده‌اند. بنابراین، برای روشن کردن موضوع و پاسخ به خلأها و پرسش‌های موجود روش‌های باستان‌شناختی و مطالعه مواد فرهنگی بسیار ارزشمند و کارگشاست، زیرا باستان‌شناسی همواره با استفاده از مواد فرهنگی به بازسازی جوامع، فرهنگ و نقش‌های انسان می‌پردازد. مقاله پیش رو نگاره‌های مکتب تبریز را به‌عنوان شواهد مادی دوره صفوی بررسی کرده است و تلاش می‌کند تصویری را که در متون دوره صفوی از زنان ارائه می‌شود با تصاویر باقی‌مانده از آنان در نگاره‌های مکتب تبریز مقایسه کند و تناقض‌ها و شباهت‌های بین آن دو را به بحث بگذارد. در اینجا مطالعه نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسب، خمسه نظامی و هفت‌وزن جامی نشان داد که زنان در دوره صفوی دست‌کم در دوران هم‌زمان با مکتب تبریز برخلاف متون تاریخی آن دوره نقش پررنگ و فعال‌تری در جامعه داشته‌اند.

### کلیدواژگان

دوره صفوی، زنان، مکتب تبریز، نگارگری.

m\_dadkhah@ut.ac.ir  
k\_hajizadeh@uma.ac.ir  
bafkhami@uma.ac.ir  
habibsgahbazi35@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی  
۲. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی  
۳. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی  
۴. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۴

## مقدمه

در جوامع گوناگون، تفاوت ویژگی‌های جنسی میان زن و مرد به اشکال مختلفی تعبیر می‌شود و همه جوامع در طول تاریخ برخورد یکسانی با این موضوع نداشته‌اند. به عبارت بهتر، جنسیت، انتظارات اجتماعی در مورد رفتاری است که برای افراد هر جنس مناسب دانسته می‌شود. بنابراین، جنسیت به تفاوت‌های فیزیکی مردان و زنان اطلاق نمی‌شود، بلکه به ویژگی‌های اجتماعی رفتار مردانه و زنانه مربوط می‌شود [۴۳، ص ۷۸۷؛ ۵۲، ص ۱۱]. به این ترتیب، زن در دوران مختلف تاریخی نقشی را می‌پذیرد که برایش می‌پسندند. شرح حوادث و رویدادهای مردانه چون جنگ‌ها، کشمکش‌ها و هر آنچه فرمانروایان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در آن‌ها دخیل بوده‌اند از موضوعات اصلی تاریخ‌نگاری است. نکته مهم چنین دیدگاهی در تاریخ‌نگاری این است که چرا در یک جامعه همه بزرگان سیاسی، اعم از فرمانروایان و اشراف یا بزرگان اقتصادی، از «مردان» هستند. براساس چنین نگرشی باید گفت به احتمال خواست مردان بر این بوده که زنان در پستوها و حرمسراها باشند و جزء مایملک مردان محسوب شوند؛ گویی زنان اصلاً در جامعه حضور نداشته‌اند. تفاوت اصلی و بنیادین بین دیدگاه و رهیافت تاریخ و باستان‌شناسی دقیقاً در همین نکته است که تاریخ به فرمانروایان می‌پردازد و باستان‌شناسی علاوه بر فرمانروایان به مردم عادی نیز می‌پردازد. بنابراین، مطالعه متن‌های تاریخی درباره اوضاع و احوال زنان در جامعه ادوار تاریخی (در اینجا اوایل دوره صفوی) اطلاعات اندکی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند و اگر بخواهیم فقط براساس متون تاریخی به زنان بپردازیم امید چندانی برای یافتن نقشی متفاوت از آنچه در سایه حرم شاهی برای زنان تصویر شده باقی نمی‌ماند یا حتی بدتر، گویی که زنان در جامعه اصلاً حضور نداشته‌اند [۲۱، ص ۳]. با اینکه تاریخ زندگی زنان بیانگر برخی محرومیت‌ها و نابرابری‌ها بین این قشر است، اشاره انگشت‌شمار متون تاریخی به زنان متمول و درباری بیانگر نقش آنان در مشروعیت‌پذیری دولت‌ها و حکومت‌ها، توازن سیاسی، آمد و رفت پادشاهان و سلسله‌ها و حوادث سیاسی است. نقطه مقابل آن‌ها، زنان عادی از اقشار ضعیف و متوسط جامعه بودند که اکثریت در بی‌سوادی، محدودیت و مهجوریت به سر می‌بردند.

با صرف نظر از ادوار دیگر تاریخی، در اینجا به جهت موضوع بررسی شده به سلسله صفوی اشاره می‌شود که با رسمی کردن سنت تشیع جایگاه خاصی از تاریخ ایران را به خود اختصاص داد. همان‌طور که ذکر شد، فقدان منابع دست اول یا دشواری دسترسی به آن در مورد زنان از مشکلات تاریخ‌نگاری در ایران است و چونان ادوار پیشین غالب منابع دوره صفوی، تاریخ عمومی و روایت دوران شاهان صفوی است. مهم‌ترین منابع تاریخی اوایل دوره صفوی (شاه اسماعیل اول و شاه تهماسب اول) *حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر* نوشته خواندمیر [۲۰] و *احسن‌التواریخ حسن‌بیگ روملو* [۲۷] است. این منابع یا به‌کل به موضوع زنان نپرداخته یا

به‌ندرت می‌توان صفحاتی را از میان کتاب‌های چندجلدی به دست آورد. سفرنامه‌ها از دیگر منابع این دوره‌اند که به جامعه و فرهنگ ایران از منظر تاریخی، سیاسی و اجتماعی پرداخته‌اند که زنان نیز به‌عنوان بخشی از جامعه ایران سهمی از این مطالعات را به خود اختصاص داده‌اند. از نقاط مثبت سفرنامه‌ها اشارهٔ جهانگردان - برخلاف غالب مورخان - به زنان است، ولی دوران کوتاه اقامت آنان، که باعث برداشتی مقطعی و سطحی می‌شد، به‌علاوه عدم شناخت دقیق فرهنگ جامعه، از اعتبار گزارش‌های آنان می‌کاهد. این سخن به معنای بی‌اهمیت جلوه دادن گزارش‌های سفرنامه‌ها نیست، بلکه ضعف اصلی در اینجاست که در مقابل سفرنامه منبعی در دست نداریم که صداقت و درستی برداشت آن‌ها را محک بزنیم. از مهم‌ترین سفرنامه‌های اوایل دورهٔ صفوی، که نسبت به اواسط و اواخر این دوره کمیت پایینی دارند، می‌توان به آنتونی جنکینسن<sup>۱</sup> [۵۹] و سفیران ونیزی [۸] از جمله می‌کله ممبره [۴۶] اشاره کرد. به‌طور کلی از متون تاریخی و سفرنامه‌ای این دوره نیز چنین برمی‌آید که زنان به دلیل محدودیت‌های فرهنگی کاملاً زیر تسلط مردان بودند و این محدودیت‌ها برای زنان دربار بیشتر از سایر زنان بوده است [۱۴؛ ۳۳].

با دلایل ذکرشده، مطالعهٔ تاریخ زنان چندان ساده نیست و فقط بررسی رفتار و کردار برخی از زنان مشهور خاندان سلطنتی به‌عنوان عضوی از جامعهٔ زنان می‌تواند تصویری از زنان این دوره را در اختیار ما قرار دهد. برای جبران این نقصان در این مقاله تلاش شده است با بررسی نگارگری اوایل دورهٔ صفوی، که به مکتب تبریز شناخته می‌شود، از منظری نو وضعیت زنان این دوره مطالعه شود.

شاه اسماعیل صفوی با پیروزی بر آق‌قویونلوها و تصرف تبریز (۹۰۵ه.ق/ ۱۵۰۰م) و همچنین با شکست شیبک‌خان ازبک و چیرگی بر هرات (۹۱۶ه.ق/ ۱۵۱۰م) همهٔ ذخایر و دارایی‌های آنان از جمله کتابخانهٔ سلطنتی و هنرمندان برجستهٔ آن‌ها را در اختیار گرفت [۱، ص ۱۰۰؛ ۴۵، ص ۴۰]. بنا به درخواست او بسیاری از هنرمندان هرات، از جمله بهزاد و آقامیرک اصفهانی، به تبریز منتقل شدند و در کتابخانهٔ او، که دارای کارگاه‌های کتاب‌سازی بود، به فعالیت پرداختند [۱، ص ۹۰]. در دورهٔ شاه تهماسب نیز این کتابخانه مرکز تجمع خوشنویسان و نقاشان، نگارگران، صحافان و جلدسازان و سایر استادان کتاب‌آرایی بود و هنرمندانی چون سلطان محمد و پسرش میرزاعلی، میرمصور و پسرش میرسیدعلی، مظفرعلی، قاسم‌علی و دیگر استادان و نقاشان و خوشنویسانی چون شاه‌محمود نیشابوری و شیخ محمد در آن مشغول بودند [۳۹، ص ۱۱]. نگارگری مکتب تبریز پس از سال ۹۵۵ه.ق به طور آشکاری تحت تأثیر زاهدنشینی روزافزون شاه تهماسب قرار گرفت که ترک هنر گفت و از حمایت هنرمندان دست کشید [۴۲، ص ۲۱۳]. بنابراین، هنرمندان پراکنده شدند. برخی برای خود کارگاه راه انداختند و برخی دیگر به هند یا مشهد (کتابخانهٔ ابراهیم میرزا) مهاجرت کردند [۲۴، ص ۵۸].

به این ترتیب، با حمایت‌های بی‌دریغ شاه اسماعیل و شاه تهماسب از هنرمندان، کتاب‌آرایی و به موازات آن نگارگری در تبریز رونق خاصی گرفت و محصول این حمایت، آثار و نسخه‌های نفیسی است که با تأثیر از فرهنگی ایرانی، اساطیر، دین، ادبیات و آیین‌های باستانی نقطهٔ اوج هنر کتاب‌آرایی و بخصوص نگارگری دوران صفوی را به نمایش می‌گذارد.

## اهداف و ضرورت پژوهش

اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگ حاکم در هر دوره، در آثار فرهنگی و هنری و به‌طور کلی شواهد مادی آن نمود می‌یابد. بررسی تصویر زنان با کنار هم گذاشتن نگاره‌های به جای مانده و تطبیق با یکدیگر نشان می‌دهد که چه تغییراتی در نحوهٔ حضور زن و ویژگی‌های تصویرشده در نگاره‌های آن دوران وجود داشته است. بنابراین، ضروری است که حضور زنان در جامعه با روش‌های جدیدتر بررسی شود. هدف از این پژوهش بررسی نگاره‌های مکتب تبریز صفوی به‌عنوان یک مادهٔ فرهنگی از دیدگاه باستان‌شناسی است.

## پرسش و فرضیه

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان حضور زنان در جامعهٔ دورهٔ صفوی (با تأکید بر اوایل این دوره) را از طریق نگاره‌های برجای‌مانده از مکتب تبریز بازسازی کرد؟ علاوه بر آن، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با مقایسهٔ متون تاریخی با نگاره‌های مکتب تبریز (به‌عنوان مادهٔ فرهنگی) به دست می‌آید؟

فرضیهٔ اولیه بیانگر آن است که نگاره‌های مکتب تبریز به‌عنوان یک مادهٔ فرهنگی به‌جای‌مانده از اوایل دورهٔ صفوی، که تصویر زن در آن انعکاس یافته، می‌تواند حضور زنان را در جامعهٔ آن دوران نشان دهد. با توجه به اینکه نگاره‌ها ضمن نشان‌دادن زنان رده‌بالا به تصویرسازی زنان و مردمان عادی نیز پرداخته‌اند، می‌توان به تصویر بهتر و واضح‌تر فرای متن‌های تاریخی از زنان دورهٔ صفوی دست یافت. همچنین، به نظر می‌رسد نگاره‌ها در بسیاری از موارد شباهت‌های زیادی با متون تاریخی آن دوران دارند.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس رهیافت تاریخی و همچنین از دیدگاه باستان‌شناسی انجام شده است. در رهیافت باستان‌شناسی با تکیه بر مواد فرهنگی به‌جای‌مانده از جوامع پیشین می‌توان گذشته را بازسازی کرد [۲۲، ص ۵۷؛ ۳۴، ص ۶۰ و ۶۷۰]. لذا در اینجا ۲۹۶ عدد از نگاره‌های مکتب تبریز به‌عنوان شواهد مادی دورهٔ صفوی ارزیابی شده است. همچنین، رهیافت تاریخی

براساس مطالعه حضور زنان در امور سیاسی، مذهبی و عام‌المنفعه در متن‌های تاریخی صورت گرفته که در نهایت ارزیابی و تحلیل با مقایسه این دو شواهد به دست می‌آید.

### پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، برخی پژوهشگران به جامعه و فرهنگ ایران از منظر تاریخی، سیاسی و اجتماعی پرداخته و زنان به‌عنوان قسمتی از جامعه ایران سهمی از این مطالعات را به خود اختصاص داده‌اند [۷؛ ۱۸؛ ۳۲؛ ۳۵]. پژوهشگران دیگری با دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسی تاریخی، مقوله زنان را در سفرنامه‌های عصر صفوی مطالعه کرده‌اند [۱۷؛ ۵۰]. شناخت جایگاه اجتماعی زنان از بُعد فرهنگی و بررسی اندیشه‌های موجود در عرف و اجتماع که ریشه‌گرفته از اوضاع سیاسی، مذهبی حاکم بر ایران دوره صفوی است مورد نظر برخی دیگر بوده است [۳۷؛ ۵۸؛ ۶۰]. گروهی نیز توجه خود را به امور اقتصادی زنان عصر صفوی و فعالیت آنان در امور وقف جلب کرده‌اند [۲؛ ۲۸]. منابعی نیز در زمینه تأثیر عوامل مذهبی و ادبیات دینی در شکل‌گیری جایگاه زنان در نگاره‌ها نوشته شده است [۵۵]. دسته دیگر پژوهش‌هایی هستند که با مقایسه تطبیقی به بررسی نقش و اهمیت طبقه زنان در جامعه پرداخته‌اند [۳۱؛ ۴۰]. در این زمینه، پژوهشگران دیگری، صرفاً موضوع پوشش، تزئینات و زیورآلات زنان را در نظر گرفته و به مقایسه تطبیقی آثار نگارگری پرداخته‌اند. در رویکرد ذکرشده، بررسی سیر تحول پوشش، عوامل مؤثر بر تغییرات و ارزیابی وجوه اشتراک و تفاوت‌های نگاره‌ها مورد نظر بوده است [۶؛ ۱۳]. همچنین بررسی‌های گسترده‌ای از سوی پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی در حوزه نگارگری دوره صفوی انجام شده است. شرق‌شناسان عمدتاً به نسخه‌شناسی پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل موضوعی توجه کرده‌اند و در این منابع نگاهی مجزا به زن عملاً وجود ندارد [۵۷؛ ۶۳].

با توجه به آنچه گفته شد، روشن است که پیش از این برخی از پژوهشگران فقط از منظری محدود به موضوع بررسی شده این مقاله پرداخته‌اند. برخی پوشش زنان را مورد مطالعه قرار داده و برخی جایگاه زنان در جامعه یا خانواده را بررسی کرده‌اند. این بررسی‌ها و پژوهش‌ها یا با تکیه بر مستندات و متن‌های تاریخی بوده یا با مطالعات تطبیقی هنری و مطالعه اجزای منفرد در نگارگری انجام شده است. طبق بررسی‌های انجام‌یافته تاکنون تحقیق مستقلی پیرامون مطالعه و مقایسه نقش و جایگاه زنان در دوره صفوی با استناد به نگاره‌های این دوره انجام نشده است.

### زنان دوره صفوی: متون تاریخی

گفته شد زنان در عصر صفوی به علت وجود محدودیت‌های فرهنگی شرایط و موقعیت مناسبی نداشتند و اکثر آنان در زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی زیر سلطه مردان و فاقد قدرت

تصمیم‌گیری بودند [۱۸؛ ۳۵]. لذا در میان متن‌ها از زنان و نقش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنان به‌سختی می‌توان نشانی یافت. آنجا هم که به زنان اشاره شده، نویسنده به دلیل مشهور بودن موضوع یا به دلیل آنکه زن از تبار خاندان سلطنتی بوده مجبور شده از زنان یاد کند. البته گاهی حتی نام این زنان را هم نیاورده و فقط آنان را با استفاده از کلمات مادر، دختر یا همسر فلان شخص معرفی کرده‌اند [۴].

همچنین، اشاره شد که مزیت دوره صفوی نسبت به دوره‌های پیشین وجود سفرنامه‌ها است که در برخی از آن‌ها به زنان اشاره شده است [۱۷]. بدیهی است که این سفرنامه‌نویسان بیشتر با امیران، وزیران و طبقات اشراف جامعه ایرانی ارتباط داشته و با سایر طبقات و به‌ویژه با زنان - به علت وجود محدودیت‌های شرعی و عرفی - در تماس نبودند. بنابراین، بخش اعظم گزارش‌های آن‌ها به وضعیت و ارتباطات اجتماعی زنان شاهان و وزیران در حرمسراها، که از موقعیت خاصی برخوردار بودند، مربوط می‌شود [۳۷، ص ۷۸].

به نظر می‌رسد زنان در زمان شاه اسماعیل صفوی نسبت به دوره‌های بعدی موقعیت مناسب‌تری داشتند و همانند مردان در اسب‌سواری مهارت داشته و گاهی در جنگ‌ها نیز شرکت می‌کردند. اما دیری نپایید که وضعیت زنان با به روی کار آمدن شاه تهماسب به جهت تعصب دینی و حکومت معنوی روحانیان به وخامت گرایید؛ به گونه‌ای که روبند گرفتن و چادر به سر کردن از این دوره رواج یافت و در عهد دیگر شاهان دوره صفوی تشدید شد [۲۵، ص ۷۰۳]. براساس متن‌های تاریخی، زنان نقش‌های گوناگون ولی اندکی در دوره صفوی داشتند که از میان آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد (جدول ۳).

۱. زنان در نقش سیاسی: زنان صفوی در ازدواج‌های سیاسی بین بزرگان و سران بوده که می‌توان به ازدواج پریخان خانم اشاره کرد که به دشمنی دیرینه شروانشاهان و خاندان صفوی پایان داد [۶، ص ۲۱؛ ۱۱، ص ۷۱۳] و آنان گاهی به‌عنوان شفیع و مشاور نیز ایفای نقش می‌کردند [۸، ص ۴۳۹؛ ۳۳، ص ۳۵]. از جمله می‌توان به شفاعت تاجلوخانم، همسر شاه اسماعیل، از امیر خراسان یا حمایت وی از قاضی جهان و همچنین مشاورت وی به شاه اسماعیل اشاره کرد [۴۷، ص ۱۳۷، ۱۴۹ و ۱۵۱]. زنان دوره صفوی در جانشینی شاهان و به قدرت رسانیدن شاهزاده‌ها و نیز مشارکت در امر سلطنت نیز دخالت داشتند [۴۷، ص ۳۵؛ ۱۹، ص ۱۰۳]. بارزترین حالت این مسئله را در روزگار بعد از مرگ شاه تهماسب می‌توان مشاهده کرد. مهد علیا و پریخان‌خانم از تأثیرگذارترین شخصیت‌های تاریخ صفوی در فاصله سال‌های مرگ تهماسب تا آغاز پادشاهی عباس اول محسوب می‌شوند [۱۵، ص ۱۲۲] که در به قدرت رسیدن شاهان و کشمکش‌های جانشینی نقشی پررنگ ایفا کردند.

۲. زنان در نقش نظامی: همچنین حضور ایشان در جنگ و تحریک مردان به نبرد، میدانی برای حضور قابلیت‌های زنان این عصر بود [۴۷، ص ۱۲۷]. مثلاً می‌توان به حضور زنان و اسارت

ایشان در جنگ چالدران اشاره کرد که از هر دو طرف اطلاعاتی در دست است [۴، ص ۲۴؛ ۸، ص ۳۵۰؛ ۱۴، ص ۶۳۷]

۳. زنان در نقش اقتصادی: زنان در عرصه اقتصادی [۲۸، ص ۹۹؛ ۳۰، ص ۹۴] و به‌ویژه در امور عام‌المنفعه چون وقف در حد توانشان اثرگذار بودند [۳، ص ۹؛ ۴۴، ص ۴۴۵]. در این باره می‌توان از زنانی چون تاجلوخانم [۳۰، ص ۸۴] و شاه بیگم، همسران دیگر شاه اسماعیل [۴۹، ص ۳۵۹] و خانم بیگم، دختر شاه اسماعیل [۲۳، ص ۲۱۳] و بسیاری دیگر نام برد.

۴. زنان در نقش فرهنگی: زنان اندکی نیز با وجود همه محدودیت‌ها در زمینه فضل و دانش، تعلیم و تربیت، خوشنویسی، شاعری و پزشکی (بیشتر به صورت مامایی) عرض اندام می‌کردند. این زنان بیشتر از طبقه اشراف و بزرگان بودند [۵، ص ۲۴۲؛ ۱۶، ص ۱۳؛ ۲۶، ص ۵۰۶].<sup>۱</sup> در این مورد می‌توان از زنی به نام اوبه یا خانجان نام برد که با کمک به شاه اسماعیل اول در آغاز تشکیل دولت صفوی نقش عمده‌ای در تاریخ ایفا کرد. در متون آمده که شغل او جراحی و زخم‌بندی بود [۵۴، ص ۱۲۰].

۵. زنان در نقش هنری: سرگرمی زنان اندک بود و بیشتر در محیط‌های زنان می‌گذشت. این سرگرمی‌ها رقص، موسیقی، آواز، سوارکاری و گاه تماشای مسابقات دو و چوگان بود [۵۱، ص ۴۷؛ ۵۳، ص ۲۵۴].

۶. زنان از نظر تفکیک جنسیتی/ پوشش یا ظاهر: این محدودیت‌ها حتی در پوشاک آن‌ها نیز وجود داشت؛ به‌طوری‌که عنصر زنانگی در پوشاک آن‌ها وجود نداشت و به گفته بیشتر سیاحان، تفاوتی بین پوشاک زنان با مردان مشاهده نمی‌شد [۱۲، ص ۶۲۴؛ ۳۸، ص ۱۳۵]. با همه آنچه درباره حضور اجتماعی زنان صفوی در جامعه گفته شد، حضور و فعالیت زنان در جامعه و رفت‌وآمدشان با محدودیت‌های شدید مواجه بود [۳۶، ص ۲۳۱]. درحقیقت، همان‌گونه که از مطالب ذکرشده برمی‌آید، فقط زنان برجسته درباری به دلیل حضور فعالشان در عرصه سیاسی زمان خود و نیز نفوذشان در شخص شاه در جریان امور سیاسی و کشوری دخالت مستقیم داشتند. ولی سایر زنان در دوره صفوی به‌طورکلی به نظر می‌رسد جایگاهی بسیار نازل و برده‌وارانه داشتند [۲۹، ص ۲۵۹].

## زنان دوره صفوی: نگاره‌های مکتب تبریز

بالندگی نگارگری، شکوه و درخشندگی هنر مکتب نگارگری تبریز را می‌توان در سه اثر با اهمیت این دوره، *خمسه نظامی* یا *خمسه شاه تهماسبی*، *شاهنامه شاه تهماسبی* و *هفت‌اورنگ*

۱. زنان طبقه اشراف و بزرگان معمولاً کار در خانه و فرزندپروری را عار می‌دانستند و فقط به خوردن، خفتن و گفت‌وگو می‌پرداختند (فلسفی، ۱۳۷۱: ۲۵۲).

جامی مشاهده کرد. شاهنامه و خمسه نظامی نمایانگر حد اعلای زیبایی و کمال در هنر نسخه‌آرایی اسلامی هستند و از همه جهات انسجام ترکیب، گستردگی طیف رنگ‌ها، بزرگی قطع و مقیاس طراحی و کیفیت و غنای رنگیزه و طلااندازی از نمونه‌های اعلا به شمار می‌آیند [۴۲، ص ۲۱۲]. در بسیاری از نگاره‌های این سه کتاب ارزشمند تصویر زنان متناسب با موضوع و داستان کتاب چشمگیر است. این مورد به سلیقه نگارگر در مورد انتخاب موضوع، قابلیت نمایشی موضوع، جذابیت‌های تصویری موضوع و گاه سفارشی بودن موضوع بستگی دارد. مجموعه‌های منتشرشده از شاهنامه شاه تهماسبی [۵۶؛ ۵۷] ۲۴۹ نگاره، مجموعه خمسه نظامی [۹] ۱۹ نگاره و مجموعه هفت‌اورنگ جامی [۱۰] ۲۸ نگاره دارند که در این مقاله بررسی می‌شوند. با اینکه حضور زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری را در این نگاره‌ها به‌سختی می‌توان ردیابی کرد، در اینجا ۲۹۶ اثر از سه کتاب شاخص مکتب تبریز (جدول ۱) بررسی شده که ۱۰۹ نگاره آن دارای تصویر زنان است.

۱. تصویر زنان در نقش‌های سیاسی: در عرصه سیاسی، نگاره‌های پسران فریدون و دختران سرو در بارگاه شاه یمن [Folio 41v, ۵۶]، ازدواج سیاوش و جریره [Folio 183v, ۵۶] و ازدواج سیاوش و فرنگیس [Folio 185v, ۵۶] از شاهنامه بر ازدواج سیاسی زنان در دوره صفوی دلالت دارند. همچنین نگاره‌های سیندخت با هدایا نزد سام می‌رود [Folio 84v, ۵۶]، سام با سیندخت عهد می‌بندد [Folio 85v, ۵۶] و درود/نوشیروان به دختر خاقان [Folio 633v, ۵۶] از شاهنامه زنان را در نقش شفیع، مشاور و سفیر نشان می‌دهد (تصویر ۴).

۲. تصویر زنان در نقش‌های نظامی: زنان در لباس زرم در میدان جنگ نیز حضور دارند که در نگاره‌های جنگ سهراب و گردآفرید [۵۷] و گردیه‌بانو و کشتن برادر خاقان [۵۷] از شاهنامه قابل مشاهده است.

۳. تصویر زنان در نقش‌های فرهنگی: در عرصه اقتصادی و فرهنگی نگاره‌ها اطلاعات بسیار اندکی به ما می‌دهند. در این مورد می‌توان به نگاره‌های لیلی و مجنون در مکتب درس [۱۰]، ص ۱۹ از خمسه و زاده شدن زال [Folio 61v, ۵۶] از شاهنامه اشاره کرد که اولی بیانگر تحصیل زنان در این دوره است و دومی نقش یک زن را به‌عنوان ماما/پزشک تصویر کرده است (تصویر ۵).

۴. تصویر زنان در نقش‌های هنری: در عرصه هنر زنان به‌عنوان نوازنده و رقصنده در نگاره‌های ازدواج سیاوش و فرنگیس [Folio 185v, ۵۶]، بهرام‌گور و آزاده، تاج‌گذاری اردشیر دوم از شاهنامه، بهرام‌گور در شکار [۶۲، pl.10]، خسرو در حال گوش دادن به موسیقی بارید [۴۱، لوح ۴۱] از خمسه و یوسف در باغ زلیخا [۶۱، 114b] از هفت‌اورنگ حضور دارند. علاوه بر فعالیت‌های هنری، زنان به سوارکاری و گردش و تفریح نیز می‌پرداختند که نمونه‌های آن را می‌توان در نگاره‌های اسب گرفتن سهراب [Folio 141r, ۵۶]، تدبیر خدمتکاران رودابه برای دیدار با زال [Folio 70v, ۵۶]، بیژن توسط دایه منیژه دعوت می‌شود [Folio 300v, ۵۶] از شاهنامه، ابلیس مرد فاسد را ملامت می‌کند [۶۱، 30a] و سلامان و ابسال در جزیره مینویی



[۶۱، 194b] از هفت/ورنگ یافت (تصویر ۶).

۵. تصویر پوشش و ظاهر زنان: از منظر پوشاک، تفاوت چندانی در زیبایی و تنوع رنگ در تصویرسازی زنان و مردان مشاهده نمی‌شود. رنگ‌ها عمدتاً شادند. تنوع رنگ در پوشاک چشم‌نواز است؛ به طوری که در پوشاک هر نفر بیش از دو رنگ وجود دارد. تفاوت پوشاک زنان اشرافی با ندیمه‌ها و زنان عادی نیز فقط در سربند آن‌ها - به استثنای تصویر برخی زنان اشرافی با تاج و کلاه (تصویر ۷) - مشاهده می‌شود؛ سربند زنان اشرافی دارای نقش‌ونگار و سربند ندیمه‌ها و زنان عادی ساده و سفیدرنگ است. به طور کلی زنان در همه نگاره‌ها سربند دارند یا از پوششی که بخشی از موها را پوشانده استفاده کرده‌اند. در این تصاویر، فقط زنان مسن به طور کامل موها را پوشانده و چیزی شبیه مقنعه‌های امروزی بر سر دارند. نگارگر مکتب تبریز صفوی در تصویرسازی پیرزنان ظرافت فراوانی به خرج داده تا مسن بودن آن‌ها را با در دست داشتن عصا، قامت خمیده یا بزرگ و کشیده‌تر بودن بینی و چانه نشان دهد. به این ترتیب، تشخیص پیرزنان به راحتی در نگاره‌های مکتب تبریز امکان‌پذیر است. زنان بدون پوشش سر یا به عبارتی بدون حجاب در تصاویر مکتب تبریز به هنگام سوگواری و همچنین فرشتگان در قالب زنانه تصویر شده‌اند (تصویر ۸).

۶. تفکیک جنسیتی: براساس نگاره‌های بررسی شده زنان در عرصه اجتماعی بدون هیچ حایل و تفکیک فضایی در کنار مردان در حال انجام دادن کارهای روزمره چون نگهداری از فرزند، شست‌وشو، پخت‌وپز، دوشیدن شیر و غیره تصویر شده‌اند. نگاره‌های *خیمه‌زنی بیابان‌گردان و لیلی و مجنون* در مکتب درس [۹، ص ۱۹] از *خمسه*، نگاره *ابلیس مرد فاسد را ملامت می‌کند* [۶۱، 30a] از *هفت‌اورنگ* و نگاره *داستان هفتواد و کرم* [۵۶، Folio 521v] از *شاهنامه* نمونه‌هایی از عدم تفکیک جنسیتی زنان و مردان را نمایش می‌دهد (تصویر ۱). تفکیک جنسیتی در صحنه‌های درباری بسیار جالب توجه است؛ به گونه‌ای که در ۳۱ نگاره از میان ۱۰۹ مورد بررسی شده، زنان در فضای جدا از مردان مانند قاب پنجره، بالکن، پشت‌بام، طبقه بالایی عمارت و در فضاهای اندرونی دیده می‌شوند (تصویر ۲). نکته جالب‌تر این است که این تفکیک نسبتاً سفت و سخت در نگاره‌ها فقط در محیط دربار انجام شده و در میان مردم عادی جامعه صورت نگرفته است. نگاره *زدواج سیاوش و جریره* از *شاهنامه* [۵۶، Folio 183v] بهترین نمونه تفکیک زن و مرد در فضاهای درباری است. همچنین نگاره *بزم شبانه در کاخ* از *خمسه* [۹، ص ۱۳] به خوبی تفاوت بین تفکیک جنسیتی در دو فضای درباری و فضای عام مشاهده می‌شود.

در برخی نگاره‌ها، مانند نگاره *نوشیروان سفیری از خاقان به حضور می‌پذیرد* [۵۶، Folio 629r] از *شاهنامه* و نگاره *خسرو در حال گوش‌دادن به موسیقی باربد* [۴۱، لوح ۴۱] از *خمسه* تشخیص جنسیت افراد دشوار است و نمی‌توان دریافت که فرد ترسیم‌شده زن است یا مرد جوان بدون محاسن (تصویر ۳)؛ همان‌گونه که در کتاب‌های تاریخی به حضور غلام‌بچگان در دربار صفوی اشاره شده، ممکن است افراد ذکر شده این غلام‌بچه‌ها باشند.

## نتیجه‌گیری

در مکتب تبریز صفوی، که حدود پنجاه سال ادامه داشت، شاهکارهایی آفریده شد که مایه تحسین جهانیان است. در این مقاله، تلاش شد نگاره‌های سه کتاب شاخص این دوره به‌عنوان مواد فرهنگی در نظر گرفته شود تا با تطبیق و مطالعه متون تاریخی دوره صفوی حضور زنان از منظرهای مختلف بازسازی شود. مواد فرهنگی در باستان‌شناسی همواره وسیله‌ای برای شناخت جوامع است و با توجه به اینکه انحراف و تحریف آن نسبت به متن‌های به‌جامانده کمتر است، می‌تواند به‌عنوان منبع قابل استناد استفاده شود یا در برخی موارد خلأها و سؤالات بی‌پاسخ در مورد موضوعات مختلف را، که از طریق متون قابل دستیابی نیست، برطرف کند. با اینکه نگاره‌ها همچون متون به سفارش دربار تهیه می‌شدند، گویی نگارگران آزادی عمل بیشتری داشتند؛ چنان‌که در صحنه‌های درباری گریزی به بیرون فضا و عمارت درباری زده و بیرون دیوارهای کاخ، مردمان عادی را تصویر می‌کردند. در مقایسه‌ای که بین متون و نگاره‌ها صورت گرفت (جدول ۳)، به نظر می‌رسد تقریباً به موارد مختلف به‌طور یکسان اشاره شده است. از منظر ترکیب‌بندی صحنه و حضور زنان در آن نیز این نگاره‌ها بسیار جالب توجه‌اند. این آمار با توجه به موضوع نگاره‌ها شگفت‌انگیز می‌نماید، چون در بسیاری از نگاره‌ها موضوع به‌گونه‌ای است که اصولاً نیازی به حضور زن در تصویر احساس نمی‌شود؛ مثلاً، در نگاره بیژن، فرود را به فرار وامی‌دارد [Folio 234r، ۵۶] از شاهنامه (تصویر ۹) دو زن در درون قاب پنجره از درون قلعه به صحنه می‌نگرند. با وجود اینکه موضوع تصویر رزم و جنگ است، باز هم زن حتی به‌عنوان شاهد در صحنه حضور دارد. در بسیاری از صحنه‌ها زنان در بطن تصویر و موضوع قرار ندارند، بلکه در گوشه‌ای از تصویر، به‌ویژه در بالکن بناها یا در آستانه در یا پنجره، در حال مشاهده تصویر و موضوع اصلی نگاره، توجه‌کردن، انگشت به دهان گزیدن از شگفتی یا کار دیگری هستند. پژوهشگران حوزه نقاشی و نگارگری با تقسیم‌بندی جزئی همه حالات زنان در نگاره‌ها نکته بسیار مهمی را نادیده انگاشته‌اند و آن اینکه در این موارد نمی‌توان بین حضور زنان در تصویر با موضوع نگاره ارتباط مستقیمی برقرار کرد (ن.ک. ۵۵). در نتیجه این تقسیم‌بندی جزئی، پژوهشگران از پاسخ به این پرسش مهم که ضرورت حضور زنان در این نگاره‌ها چیست بازمانده‌اند. به نظر نگارندگان، حضور این زنان را باید نوعی با شاهد تصویر معادل دانست. در این نگاره‌ها زنان به‌طور کلی شاهد هستند. شاهد در نگاره‌ها معمولاً از دور از صحنه از فراز بام یا درون قاب پنجره یا آستانه در صحنه را تماشا می‌کنند. با چنین دیدگاهی به نظر ما جزئی‌نگری بیش از حد در حضور زنان در نگاره‌ها راه را بر هرگونه نتیجه‌گیری درست خواهد بست. بنابراین، در بررسی نگاره‌های اشاره‌شده در این پژوهش حضور زنان در نگاره‌ها را به سه گروه عمده تقسیم کرده‌ایم: حضور زن در نگاره به‌عنوان شاهد، حضور زن در نگاره به‌عنوان شاهد و کنشگر (تصویر ۱۰)، حضور زن در نگاره به‌عنوان کنشگر (تصویر ۱۱). در این مقاله، منظور از زن به‌عنوان کنشگر این است که زن در بطن موضوع و

داستان اصلی قرار داشته یا در حال انجام‌دادن عملی باشد که صحنه را کامل کند. با چنین دیدگاهی، ۱۰۹ نگاره اشاره‌شده دارای تصویر زن معادل ۳۷ درصد از کل نگاره‌های این سه کتاب بررسی شد و همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مشخص شد که در بیش از نیمی از نگاره‌ها زن فقط به‌عنوان کنشگر و در نیم دیگر نگاره‌ها زن به‌عنوان شاهد و شاهد و کنشگر حضور دارند. اگر این اعداد و درصدها را کلی‌تر ببینیم، می‌توانیم حضور زنان به‌عنوان شاهد و کنشگر را در مجموعه زن فقط به‌عنوان کنشگر نیز محسوب کنیم و به این ترتیب به عدد بزرگ‌تری برسیم. به این صورت که در حدود ۸۰ درصد نگاره‌ها زنان به‌عنوان کنشگر حضور دارند. این نگاره‌ها نشان می‌دهند که زنان با وجود داشتن حجاب (هرچند کمرنگ) حضور پررنگی در جامعه داشتند. در همه صحنه‌ها، اعم از رزم و بزم، دست‌کم به‌عنوان شاهد حضور دارند. تفکیک جنسیتی در بطن جامعه عملاً وجود ندارد. زنان در کنار مردان در همه صحنه‌ها حضور دارند، ولی در دربار قضیه متفاوت است و زنان در بسیاری از موارد جدا از مردان هستند. این نکته با متن‌های تاریخی همخوانی دارد که زنان درباری اگر نگوییم کاملاً در فضای اندرونی جدا از مردان زندگی می‌کردند، دست‌کم ارتباط کمتری با مردان غیردرباری چون سربازان و نگهبانان داشتند.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد برخلاف متن‌های تاریخی که در آن زن‌ها حضور بسیار کم‌رنگی دارند، حضور زنان در نگاره‌ها پررنگ است. به این معنا که زنان در حدود ۴۰ درصد از نگاره‌ها مشاهده می‌شوند. بخشی از این حضور به‌عنوان شاهد است؛ یعنی فقط تماشاگر صحنه، بخش دیگر «کنشگر» و تعدادی دیگر «شاهد و کنشگر» هستند. این نکته که در نگاره‌های مکتب تبریز زنان به‌عنوان شاهد در برخی نگاره‌ها حضور دارند بسیار جالب توجه است. این نشان می‌دهد که نیاز به حضور زنان در نگاره حس می‌شده، حتی اگر از دور فقط تماشاگر صحنه باشند.

بنابراین، بررسی نگاره‌های سه کتاب *شاهنامه شاه تهماسب*، *خمسه نظامی و هفت‌اورنگ* جامی به‌خوبی نشان می‌دهد که زنان در جامعه روزگار صفوی (دست‌کم در اوایل این دوران) حضوری فعال داشتند. درصد آماری ارائه‌شده در این پژوهش از تعداد زنان در نگاره‌های کتاب‌های نام برده نیز نشان می‌دهد که زنان در نگاره‌ها نقشی پررنگ دارند. البته این مطلب به آن معنا نیست که زنان همانند مردان در همه امور نقش داشتند، بلکه منظور این است که امکان حضور در جامعه برای زنان مهیا بوده، ولی نقش آن‌ها به گونه‌ای نبوده که در کتاب‌های تاریخ‌نگاری آن روزگار، که بیشتر مربوط به تحولات سیاسی و فرمانروایان بوده، به آن‌ها نیز متناسب با جمعیتشان اشاره شود. درواقع، به نظر می‌رسد کمبود اشارات مربوط به زنان در متون تاریخی را بیشتر باید متوجه شیوه‌های تاریخ‌نگاری آن دوران بدانیم.

در پایان باید گفت که گرچه متون تاریخی وزنه‌ای مهم در آگاهی‌رسانی و بازسازی فرهنگ گذشته شناخته می‌شود، نباید به‌تنهایی مورد اتکا قرار گیرند، بلکه باید در بستر باستان‌شناختی و با استفاده از مواد فرهنگی به‌جای‌مانده مورد محک قرار بگیرند تا بازسازی گذشته به انحراف و خطای کمتری همراه باشد.





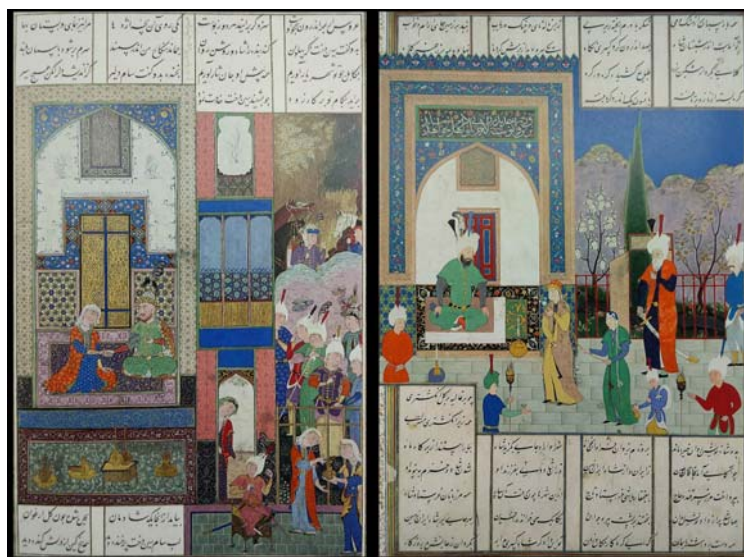
تصویر ۱. عدم تفکیک جنسیتی در زندگی مردم عامه، نگاره خیمه‌زنی بیابان‌گردان از خمسه [۱۰]



تصویر ۲. تفکیک جنسیتی در دربار، نگاره طبع آزمایی فردوسی در برابر سلطان محمود از شاهنامه [Folio 10r, ۵۶]



تصویر ۳. عدم تمایز جنسیتی بین برخی از افراد، بخشی از نگاره خسرو در حال گوش دادن به موسیقی یارید از خمسه [۴۱، ۴۱] لوح ۴۱



تصویر ۴. زنان در عرصه سیاسی: شفیع و سفیر (راست: نگاره درود انوشیروان به دختر خاقان از شاهنامه [۵۶، 633v Folio]; چپ: نگاره سام با سیندخت عهد می‌بندد از شاهنامه [۵۶، 85v Folio])





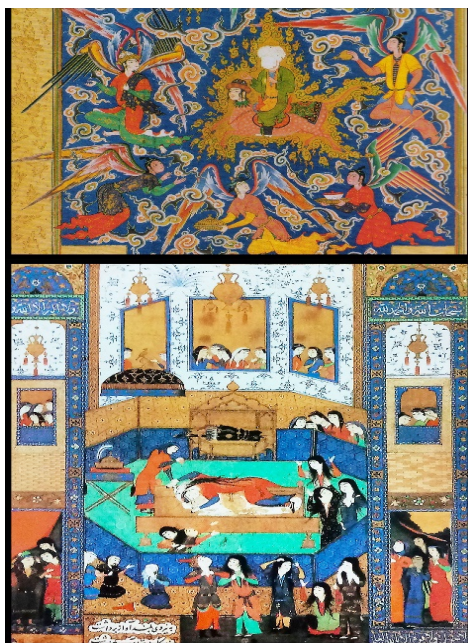
تصویر ۵. زنان در عرصه فرهنگی: تحصیل زنان و پزشکی (راست: نگاره لیلی و مجنون در مکتب درس از خمسه [۹، ص ۱۹]؛ چپ: نگاره زاده شدن زال از شاهنامه [۵۶، Folio 61v])



تصویر ۶. زنان در عرصه هنر و سرگرمی: تفریح، سوارکاری، رقص و نوازندگی (راست بالا: بخشی از نگاره ابلیس مرد فاسد را ملامت می‌کند از هفت‌اورنگ [۶۱، 30a]؛ راست پایین: بخشی از نگاره اسب گرفتن سهراب از شاهنامه [۵۶، Folio 141r]؛ وسط: بخشی از نگاره ازدواج سیاوش و فرنگیس از شاهنامه [۵۶، Folio 185v]؛ چپ: بخشی از نگاره بهرام‌گور در شکار از خمسه [۶۲، pl. 10])



تصویر ۷. تفاوت در سربند زنان اشرافی با ندیمه‌ها، بخشی از نگاره نشستن فریدون بر تخت ضحاک از شاهنامه [۵۶، Folio 34v]

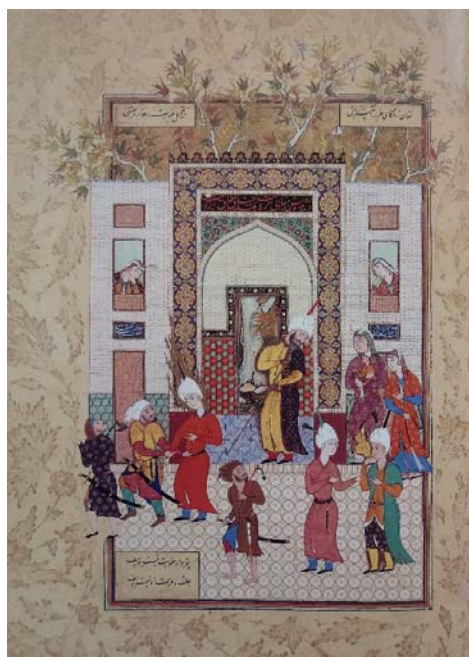


تصویر ۸. بدون حجاب سر بودن زنان (بالا: نگاره معراج پیغامبر از هفت‌اورنگ [۶۱، 275a]; چپ: نگاره مرگ شیرین از خمسه [۹، ص ۱۷])





تصویر ۹. زن به‌عنوان شاهد: نگارهٔ بیژن، فرود را مجبور به فرار می‌کند از شاهنامه [۵۶، Folio 234r]



تصویر ۱۰. زن به‌عنوان شاهد و کنشگر: نگارهٔ شهادت کودک بر بی‌گناهی یوسف از هفت‌اورنگ [۶۱،

[120a]



تصویر ۱۱. زن به عنوان کنشگر: نگاره شاپور تصویر خسرو را به شیرین می‌نماید از خمسه [۹]

## منابع

- [۱] آژند، یعقوب (۱۳۸۴). مکتب نگارگری تبریز و قزوین و مشهد، تهران: فرهنگستان هنر.
- [۲] احمدی، نزهت (۱۳۸۳). «نقش زنان در ایجاد بناهای مذهبی در پایتخت صفویان»، *بانوان شیعه*، ش اول، ص ۲۵-۳۰.
- [۳] ارجح، ا. (۱۳۹۱). «موقوفات زنان در دوره صفوی و عثمانی»، *تاریخ روابط خارجی*، دوره ۱۳ و ۱۴، ش ۵۲ و ۵۳، ص ۱-۱۱.
- [۴] اکبری، امیر؛ راسله رضایور (۱۳۹۲). «نقش زنان در تحولات سیاسی عصر صفویه»، *زن در تاریخ اسلام (مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی زن در تاریخ اسلام)*. تهران: کویر، ص ۱-۳۷.
- [۵] الگود، س. (۱۳۵۷). *طب در دوره صفوی*، ترجمه م. جاویدان، تهران: دانشگاه تهران.
- [۶] انصاری‌یکتا، م؛ ر. احمدی پیام (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویرشده در شاهنامه بایسنقری و شاه‌تهماسبی»، *زن در فرهنگ و هنر*، س ۶، ش ۴، ص ۵۳۱-۵۵۱.
- [۷] آزاد، حسن (۱۳۶۶). *پشت پرده‌های حرمسرا*، تهران: انزلی.
- [۸] باربارو، جوزافا؛ کاترینو زنو، امبروزیو کنتارینی و همکاران (۱۳۸۱). *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، شش سفرنامه، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- [۹] بی‌نام (۱۳۷۳). *داستان‌های نظامی گنجوی*، به مناسبت برگزاری کنگره نهمین سده تولد شاعر گران‌قدر ایرانی نظامی گنجوی، تهران: فرهنگسرا.

- [۱۰] بی‌نام (۱۳۷۸). *مینیاتورهای هفت‌اورنگ جامی (مرقع سلطان ابراهیم‌میرزا) آشنایی با شاهکارهای هنر ایران (مجموعه شماره ۲)*. تهران: فرهنگسرا.
- [۱۱] پارسادوست، م. (۱۳۷۵). *شاه اسماعیل اول*، تهران: انتشار.
- [۱۲] تاورنیه، ژ. ب. (۱۳۶۶). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ا. نوری، تصحیح ح. ارباب شیروانی، تهران: سنایی.
- [۱۳] تقوی، ع. م. موسوی (۱۳۹۲). «بررسی حضور اجتماعی زنان و سیر تحول پوشش در نگاره‌های عصر صفوی»، *زن و فرهنگ*، س ۵، ش ۱۸، ص ۸۱-۱۰۲.
- [۱۴] جسیم، اسماعیل (۱۳۹۳). *زن و خانواده در مسیر تاریخ*، تهران: علمی.
- [۱۵] جعفری، ع. ا. (۱۳۹۲). «نقش زنان صفوی در مشروعیت‌پذیری دولت‌های ایرانی پس از صفوی»، *زن در تاریخ اسلام (مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی زن در تاریخ اسلام)*. تهران: کویر، ص ۱۱۸-۱۳۱.
- [۱۶] جعفریان، رسول (۱۳۷۵). *سفرنامه منظوم حج از بانوی اصفهانی از دوره صفوی*، تهران: مشعر.
- [۱۷] حاتم‌زاده، زینب (۱۳۸۳). *وضعیت زنان در عصر صفوی از دید سیاحان اروپایی*، تهران: نقش سیمرخ و برگ زیتون.
- [۱۸] حجازی، بنفشه (۱۳۸۱). *ضعیفه: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی*، تهران: قصیده‌سرا.
- [۱۹] حسینی استرآبادی، ح. (۱۳۶۶). *تاریخ سلطانی، از شیخ صفی تا شاه صفی*، به کوشش ا. اشراقی، تهران: علمی.
- [۲۰] خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۷). *حبیب‌السیرفی اخبار افراد بشر*، تهران: هرمس.
- [۲۱] خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۰). «سیری در دشواری‌های مطالعات تاریخی راجع به زنان در تاریخ ایران»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ۶ (۳۰)، ص ۵-۳.
- [۲۲] دارک، کن. آر (۱۳۸۷). *مبانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه کامیار عبدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- [۲۳] دانش، فاطمه (۱۳۹۲). «خان‌بیگم، بانوی شیعه در یزد (پیوند از تصوف تا سلطنت)»، *زن در تاریخ اسلام (مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی زن در تاریخ اسلام)*. تهران: کویر، ص ۲۱۳-۲۳۳.
- [۲۴] رابینسن، ب. و. (۱۳۷۶). *هنر نگارگری ایران (۱۳۱۳-۱۸۹۶/۷۵۱-۱۳۵۰)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- [۲۵] راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). *تاریخ اجتماعی ایران، مناظری از زندگی اجتماعی ایران*، تهران: نگاه.
- [۲۶] رفیعی مهرآبادی، ا. (۱۳۵۲). *آثار ملی اصفهان*، تهران: انجمن آثار ملی.
- [۲۷] روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴). *احسن‌التواریخ*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.
- [۲۸] زرین‌باف شهر، فریبا؛ مروار، محمد (۱۳۸۴). «فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارت‌گاه شهر اردبیل»، *نامه تاریخ پژوهان*، س اول، ش ۳، ص ۸۰-۱۰۲.
- [۲۹] ستاری، جلال (۱۳۷۳). *سیمای زن در فرهنگ ایران*، تهران: مرکز.
- [۳۰] شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۸). «نقش زنان بانی در گسترش معماری عصر تیموری و صفوی»، *نامه پژوهش فرهنگی*، س ۱۰، تابستان، ش ۶، ص ۷۰-۹۹.

- [۳۱] شایسته‌فر، مهناز؛ خزایی، محمد؛ عبدالکریمی، شهین (۱۳۹۳). «بررسی جایگاه اجتماعی زنان و کودکان در دوره شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۳ ق) براساس تطبیق نگاره‌های نسخ شاهنامه طهماسبی و هفت‌اورنگ جامی»، زن در فرهنگ و هنر، س ۶، ش ۲، ص ۱۸۹-۲۰۸.
- [۳۲] شجاع، عبدالمجید (۱۳۸۴). زن، سیاست و حرمسرا در عصر صفوی، تهران: امید مهر.
- [۳۳] غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۳). زن در تاریخ‌نگاری صفوی، تهران: امیرکبیر.
- [۳۴] فاگان، برایان (۱۳۸۲). سرآغاز: درآمدی بر باستان‌شناسی (اصول، مبانی و روش‌ها)، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران: سمت.
- [۳۵] فرهمند، ماندانا (۱۳۹۲). وضعیت سیاسی اجتماعی زنان در عصر صفوی (۹۰۷ ه ق-۱۱۳۵ ه ق)، انتشارات جوهر حیات.
- [۳۶] فلسفی، ن. (۱۳۷۱). زندگانی شاه عباس اول، تهران: علمی.
- [۳۷] قلی‌زاده، آذر (۱۳۸۳). «نگاهی جامعه‌شناختی به موقعیت زنان در عصر صفوی»، پژوهش زنان، س ۲، ش ۲، ص ۷۷-۸۸.
- [۳۸] کارری، جووانی فرانچسکو جملی (۱۳۴۸). سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، تهران: فرانکلین.
- [۳۹] کریم‌اف، کریم (۱۳۸۵). سلطان محمد و مکتب او، ترجمه جهان‌پری معصومی و رحیم چرخ‌چی، انتشارات دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- [۴۰] کریمیان، حسن؛ جایز، مزگان (۱۳۸۶). «تحولات ایران عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری»، مطالعات هنر اسلامی، ش ۷، ص ۶۵-۸۸.
- [۴۱] کورکیان، ا. م. و ژ. پ. سیکر (۱۳۷۷). باغ‌های خیال، هفت قرن مینیاتور ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه.
- [۴۲] گروه، ارنست؛ سیمز، الینور (۱۳۷۴). هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه روز.
- [۴۳] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- [۴۴] لطفی، مریم (۱۳۹۲). «زنان واقفه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، زن در تاریخ اسلام (مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی زن در تاریخ اسلام). تهران: کویر، ص ۴۴۲-۴۵۱.
- [۴۵] معمارزاده، محمد (۱۳۸۸). «نقاشی عصر صفوی (مکتب تبریز و اصفهان)»، جلوه هنر، ش ۲، ص ۳۹-۴۶.
- [۴۶] ممبره، میکله (۱۳۹۳). سفرنامه (فرستاده‌ای به سوی فرمانروای صوفی ایران). ترجمه ساسان طهماسبی، اصفهان: بهتا پژوهش.
- [۴۷] منشی قزوینی (۱۳۷۸). جواهرالخبار، به کوشش محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب.
- [۴۸] منشی قمی، ا. ب. ح. (۱۳۸۳). خلاصه‌التواریخ، به تصحیح ا. اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.
- [۴۹] موسوی بجنوردی، م. ک. (۱۳۶۷). دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی انتشارات مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.
- [۵۰] مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹). زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی، تهران: روزگار.
- [۵۱] میثمی، س. ح. (۱۳۸۹). موسیقی عصر صفوی، تهران: متن.

- [۵۲] نیکنامی، کمال‌الدین؛ سعیدی هرسینی، محمدرضا؛ دژم‌خوی، مریم (۱۳۹۰). «درآمدی بر تاریخچه مطالعات زنان در باستان‌شناسی»، زن در فرهنگ و هنر، س ۲، ش ۳، ص ۵-۱۷.
- [۵۳] واصفی، زین‌الدین محمود (۱۳۴۹). *بدایع‌الوقایع*، تصحیح الکساندر بلدروف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- [۵۴] هینتس، والتر (۱۳۶۲). *تشکیل دولت ملی در ایران: حکومت آق‌قویونلو و ظهور دولت صفوی*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- [۵۵] یاسینی، راضیه (۱۳۹۳). *تصویر زن در نگارگری، تهران: علمی و فرهنگی*.
- [56] Anonymous (2011). *The Shahnama of Shah Tahmasp, The Persian Book of Kings*, New York: The Metropolitan Museum of Art.
- [57] Dickson and Welch, S. C., 1981. *The Houghton Shahnamah*, Cambridge.
- [58] Gholsorkhi S. (1995). "Pari Khan Khanum: A Masterful Safavid Princess", *Iranian Studies*, 28(3), PP 143-156.
- [59] Jenkinson, Anthony (1886). *Early voyages and travels to Russia and Persia*, ed. Delmar Morgan and C. H. Coote, New York: Burt Franklin.
- [60] Shirazi, F., 2016. "Women's Sexuality: the Safavid Legacy", *Anthropology Research*, (3), PP 5-15.
- [61] Simpson, Maria Shreve (1998). *Persian Poetry, Painting and Patronage, Illustrations in a Sixteenth/ Century Masterpiece*, New Haven-London: Yale University Press.
- [62] Titely, Norah M. (1983). *Persian Miniature Painting and its Influence on the Art of Turkey and Asia*. London: The British Library, Reference Division Publication.
- [63] Welch, S. C. (1972). *A King's Book of Kings: The Shah Nameh of Shah Tahmasp*, London, Thames and Hudson.